

تأثیر نظام‌های حکومتی در ظهور جنبش‌های ملی‌گرایانه معماری ایران و ترکیه*

جمال الدین سهیلی**

داراب دیبا***

How Government Systems Have Influenced the Emergence of Nationalist Architectural Movements in Iran and Turkey

Jamaleddin Soheili*
Darab Diba** Ph.D

Abstract

This paper initially attempts to introduce the main factors behind the formation of nationalist ideas by studying the social and political grounds upon which nationalism developed in Iran and Turkey between 1920 and 1950. To do so, the authors have focused on the efforts made by the Iranian and Turkish governments to strengthen nationalism. They have also studied how official cooperation between the two sides influenced the formation of nationalist movements. The paper then introduces the nationalist architectural movements that were developed as a result of these nationalist policies in Turkey and Iran. The authors study and categorize these nationalist architectural movements and some of their creations based on the opinions of Iranian and Turkish critics. In the end, a comparative study is employed to discuss how government policies have influenced the emergence of nationalist architectural movements in Iran and Turkey.

Keywords

Government, nationalist movements, architecture, Iran, Turkey

چکیده

این مقاله درصدد است ابتدا با بررسی زمینه‌های ملی‌گرایی در سطوح اجتماعی و سیاسی دو کشور ایران و ترکیه در سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۰ به معرفی عوامل تاثیرگذار در شکل‌گیری جریان‌های فکری ملی‌گرا و ویژگی‌های آنها بپردازد. در این راستا نقش تلاش‌های دولت ایران و ترکیه در تقویت ملی‌گرایی و همچنین تاثیر تعاملات حاکمان این دو کشور در شکل‌گیری جنبش‌های ملی‌گرایانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس جنبش‌های ملی‌گرایانه در معماری دو کشور ایران و ترکیه که بر اساس تاثیر سیاست‌های ملی‌گرایانه دولت ایران و ترکیه رخ داده است بازشناسی و معرفی خواهند شد. در این راستا بر اساس نظرعه‌ای از منتقدین معماری ایران و ترکیه، جنبش‌های ملی‌گرایانه در معماری و برخی از آثار ایشان بررسی و دسته‌بندی می‌شود و در پایان نحوه تأثیرگذاری نظام‌های حکومتی در ظهور جنبش‌های ملی‌گرایانه معماری ایران و ترکیه در یک مطالعه تطبیقی نتیجه‌گیری خواهد شد.

واژگان کلیدی

حکومت، جنبش‌های ملی‌گرا، معماری، ایران، ترکیه.

* این مقاله در راستای پایان نامه دکتری معماری نگارنده با عنوان "تأثیر عوامل اجتماعی و سیاسی در ظهور جنبش‌های ملی‌معماری (بررسی تطبیقی معماری ایران و ترکیه در سالهای ۱۹۵۰-۱۹۲۰) در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تدوین شده است

j_soheili@yahoo.com

**پژوهشگر دکتری معماری دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات، تهران. نویسنده مسئول ۰۹۱۳۳۸۱۶۱۲۰

darabdiba@gmail.com

***استاد دانشگاه تهران، تهران

*PH.D.Candidate, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University, Science and Research, Tehran, Iran.

**Professor of Architecture Department, University college of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran

مقدمه

در منطقه خاورمیانه و سال‌های بین دو جنگ جهانی برخی رهبران سیاسی قدرتمند و اغلب کاریزماتیک، نظیر رضاشاه در ایران، آتاتورک در ترکیه، شاه امان‌الله خان در افغانستان و دیگران، پروژه تعامل مدرنیته و ملی‌گرایی پرحرارت را در برنامه‌های قوانین شخصی خودشان تعریف و ادغام کرده بودند و همگی درصدد بودند پروژه مدرنیزاسیون کشورهايشان را نه تنها به عنوان یک آرزو و غایت غیر قابل اجتناب، بلکه به عنوان شیوه‌ای برای احیای ملت ارائه دهند. "دیدگاه شاه ایران یک بعد آرمانگرایانه داشت، به این صورت که ملت ایران به شکوه و جلال گذشته‌اش باز خواهد گشت. در این میان یک مارک سوسیالیسم ایرانی، با استفاده از تکنیک‌های علمی، ابعاد تحقیرآمیز تاریخی دوره قاجاریه را از میان خواهد برداشت. رضاشاه خود را به عنوان پادشاه و نظریه‌پرداز برجسته‌ای می‌دید که می‌تواند موانع وحدت ملت را از پیش رو برداشته و بدست وعده‌هایی که مدرنیته با خود داشت برود. آتاتورک با چالشی به همان اندازه بزرگ، روبرو شد که شاه ایران نیز روبرو شده بود. بازسازی ملت از بقایای اساسی امپراطوری عثمانی نیازمند یک تصویر آرمانگرایانه از آینده بود. آتاتورک خود را به عنوان مظهر ملت و بازنمایی کننده امکانات آینده معرفی کرد" [Bozdoghan, 1997].

تبدیل حکومت امپراطوری عثمانی با قرن‌ها سابقه که خود شامل جوامع قومی و مذهبی مختلفی بود، به یک دولت ملی جمهوری در واقع یک تغییر رادیکال به شمار می‌رود. در این تغییرات سیاسی و اجتماعی بروز جنبش‌های فرهنگی و اجتماعی و به تبع آن ظهور گرایش‌های معماری اجتناب‌ناپذیر است. برخی منتقدین معماری ترک نظیر عقیف باتور^۱ در کتاب "تاریخ مختصر معماری قرن بیستم ترکیه" جریانات معماری تاریخ معاصر ترکیه را در شش دوره کلی معرفی می‌نماید:

۱. سال‌های اول، دوره گذار	۱۹۲۳ تا ۱۹۲۸	۴. دوره پس از جنگ	۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰
۲. دوره مدرنیست‌ها	۱۹۲۹ تا ۱۹۳۸	۵. جستجو برای روش‌های نوین	۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰
۳. سال‌های جنگ	۱۹۳۸ تا ۱۹۵۰	۶. گسستگی و شیوه‌های نوین	۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰

در تشریح جریان‌های فکری معماری، عقیف باتور معتقد است برخی عوامل و شرایط محیطی که موجب ظهور جنبش‌های ملی معماری در ترکیه شده عمدتاً در دوره اول و دوره سوم رخ داده است.

مصادف با دوره اول ملی‌گرایی معماری ترکیه، در کشور ایران نیز تشکیل حکومت پهلوی اول در منطقه طبق یک سیاست کلی با تشکیل حکومت‌های ملی‌گرای ترکیه و افغانستان همراه بود و همچنین تغییر الگوی زندگی تحت تأثیر مدرن‌گرایی در جهان موجب شده بود تا پذیرش گونه‌های نو در تفکرات معماری با سهولت صورت پذیرد. تأثیر دو عامل باستان‌شناسی و باستان‌گرایی از جمله عواملی است که در شکل‌گیری بخش‌هایی از معماری ملی‌گرای دوره پهلوی اول مؤثر بوده است.

روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ محتوا نوعی پژوهش کیفی به‌شمار می‌آید که در ابتدای تحقیق یک بررسی تاریخ‌نگارانه صورت خواهد پذیرفت، اما اساس پژوهش تحقیق تاریخی تفسیری خواهد بود که رویکرد پژوهش (چارچوب نظری) مبتنی بر تأثیرگذاری عوامل محیطی، شکلی و معنایی است.

هویت ملی در ایران معاصر

"برای حل و فصل موضوع هویت در ایران، میان سه منبع ایران، اسلام و لیبرالیسم غرب، نوعی هارمونی باید ایجاد گردد. ایران و ایرانیت یک منبع هویت سرزمینی و تاریخی است. اسلام یک منبع هویت معنوی، اعتقادی و یک جهان‌بینی وسیع اجتماعی - سیاسی است. لیبرالیسم غرب منبعی فلسفی با کاربردهای اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی است" [سریع القلم، ۱۳۸۶: ۴۳].

البته عواملی نظیر اشتراکات قومی، مذهبی، زبان‌گویی و ... زیرمجموعه‌ای از سه عامل کلی فوق است. آنچه بعد از انقلاب مشروطه و تلاش برای حاکمیت قانون در کشور ما اتفاق می‌افتد، تأکید بر الگویی است که برای بازگشت به گذشته، نفی ویژگی اسلامی، ندیدن الزامات ناشی از پذیرش هویت اسلامی و در واقع تأکید بر ایرانیت است. آنچه در سیاست‌های دوره رضاشاه دیده می‌شود، نفی این ویژگی اسلامی، تلاش برای از بین بردن آثار و عوارض هویت عنصر اسلامی در هویت ملی و برجسته‌سازی عنصر ایرانیت و شرایط گذشتگان و نیاکان و ندیدن این الزام بسیار سنگین در یکپارچه دیدن این عناصر است " [کولایی، ۱۳۸۶: ۵۹]. لذا به نظر می‌رسد بررسی جایگاه هویت ملی در دوره پهلوی اول در میان گرایش‌های فکری ملی‌گرایانه می‌تواند ساختار بحث را شکل دهد.

الف. هویت ملی لیبرال

یکی از ویژگی‌های عمده لیبرال ناسیونالیست‌های ایرانی، توجه به عقل، علم و ترقی بود. از دیدگاه آنها پیشرفت و ترقی به وجود قانون وابسته بود و قانون نیز از عقل بشر، منشا می‌گرفت. طرفداران ناسیونالیسم لیبرال، ادعا می‌کردند که علت پیشرفت کشورهای اروپایی، در وضع قوانین نهفته است که دارای پشتوانه عقلی هستند و اگر چنین قوانینی در ایران پدید آید، ایران نیز همچون کشورهای اروپایی، پیشرفت خواهد کرد.

"هویت ملی لیبرال، نخستین شکل ناسیونالیسم است که در ابتدای قرن کنونی در ایران پدیدار شد و اولین نوع ناسیونالیسم در غرب که با انقلاب کبیر فرانسه پدید آمد نیز همان بود. ارزش‌های این نوع ناسیونالیسم عبارت بودند از آزادی، برابری، برادری و حاکمیت ملی که همه آنها منشأ غربی داشتند و در انقلاب مشروطیت در مقام عمل پدیدار گشتند. ... ناسیونالیسم لیبرال به دنبال آن بود که وفاداری به ملت را به جای وفاداری به مذهب در ایران بنشانند. از جمله اصولی که مدنظر لیبرال ناسیونالیست‌ها بود، اصل بر خردداری افراد جامعه از آزادی بود. منظور از آزادی، طبق نظریات آنها آزادی به شیوه غربی بود که براساس آن، رهایی از قید آداب و رسوم و سنن قدیمی و مذهب، امر پسندیده‌ای بود" [قمری، ۱۳۸۰: ۷۲]. میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی، ملکم و مستشار الدوله از پیشوایان گرایش فکری فوق بودند.

ب. هویت ملی مذهبی

در نگاه اول این طور به نظر می‌رسد که ناسیونالیسم نمی‌تواند با مذهب همگرا باشد، زیرا ناسیونالیسم اهداف خاصی در محدوده سرزمینی دنبال می‌کند ولی مذهب اهداف کلی‌تر در جهت هدایت انسان را بر عهده دارد. ضمن آنکه ناسیونالیسم درصدد ایجاد حاکمیت ملی است و با عواملی نظیر مذهب که این حاکمیت را محدود کند، مبارزه می‌نماید. نکته حائز اهمیت در این تعارض ظاهری نگاه حاکمیت ملی به نقش مذهب در تعریف ساختارهای حکومتی است که در کشورهای نظیر ایران که به‌طور کلی دارای مذهبی واحد بودند، توانسته با هدایت علمای مذهبی خود به ناسیونالیسم ابراز وفاداری نماید. بنابراین علت پیوند ناسیونالیسم و مذهب در ایران استقلال روحانیت شیعه از حکومت بوده است. "جهت‌گیری ناسیونالیسم مذهبی در تاریخ ایران علیه استبداد حاکم بوده است. از جمله اهداف مهم دیگری که توسط ناسیونالیسم مذهبی، دنبال می‌شد، قطع نفوذ خارجی‌ها و جلوگیری از سلطه آنها بر ایران بود. از دیدگاه چنین طرز تفکری، مسلمین به دلیل ضعف و سستی که ناشی از استبداد بر آنها بود، از جانب فرنگیان تحت استیلا قرار می‌گرفتند و استیلای فرنگیان بر آنها هیچ هدف و مقصودی جز نابودی دین آنها نداشت" [قمری، ۱۳۸۰: ۷۸].

ج. هویت ملی باستان‌گرا

قرن ۱۹ و ۲۰ را دوران تحقق عصر ملیت‌ها دانسته‌اند. یعنی دوره‌ای که در آن ناسیونالیسم، نقشه سیاسی جهان را در طی این دو قرن شکل داد و حتی در یک دهه گذشته هم که دوره سال‌های چرخش از قرن ۲۰ به ۲۱ بود، ناسیونالیسم به ویژه در شکل قومی و زبانی‌اش، نقش مهمی در جهان داشته است. "لذا با توجه به اینکه در آغاز قرن بیستم میلادی، ناسیونالیسم نوین که تعریفی جهانی داشت وارد عرصه جهانی شده بود، در ایران نیز ناسیونالیست ایرانی به خوبی از اهمیت و آگاهی تاریخی اطلاع

داشت و می‌دانست که این پیشینه تاریخی چگونه می‌تواند احساسات ملی‌گرایانه را اشاعه دهد. رضاشاه نیز در رهگذر اهداف خود از حربۀ وحدت ملی بهره برداری زیادی کرد که یکی از این حربه‌ها سبک معماری باستان‌گرایانه بود" [کیانی، ۱۳۸۳: ۶۷].

در قرن گذشته باستان‌شناسان اروپایی، بخش عمده‌ای از تاریخ ناشناخته ایران باستان را کشف کردند و این کشفیات، بهانه‌ای برای برخی از متفکرین و مورخین ایرانی شد تا با استناد به آنها ناسیونالیسم ایرانی را تقویت کنند. ناسیونالیسم باستان‌گرا، دستاوردهای فرهنگی ایران قبل از اسلام را مورد تمجید قرار می‌داد و در طلب یک ایرانیّت ناب از نوع ساسانی آن بود و از سوی دیگر به ماندگاری قوم ایرانی و فرهنگ آن در دوران اسلامی به دلیل غنای این فرهنگ، تکیه داشت. این ناسیونالیسم، به شکل گزاف‌گرایانه خود، بر گمانی از ایرانیّت ناب، تکیه داشت که ناگزیر با اسلام به عنوان دینی بیگانه با ایرانیّت ناب، سر ستیز داشت و یا می‌خواست آن را نادیده انگارد یا اگر بشود یک دین ایرانی بیافریند یا دین گذشته ایرانی را دوباره زنده کند.

جایگاه هویت ملی در ترکیه معاصر

ناسیونالیسم ترک در آغاز به صورت یک گرایش ادبی خود را نشان داد. در حدود سال ۱۸۶۰ نهضت عثمانی‌های جوان برخی از چهره‌های ادبی روزگار چون ابراهیم شناسی، ضیاء پاشا، نامق کمال و علی سعاوی باعث شد تا در مجموعه تلاش‌هایی برای دست یابی به توده هر چه وسیع‌تر از مردم بر ضرورت ساده‌تر کردن زبان محافل حاکمه تأکید گذارند. آنها خواستار وضع واژه‌های ترکی به جای اصطلاحات رایج فارسی و عربی بودند.

"در طول دوران جمهوریت ترکیه مسئله هویت حول محورهای دوگانگی زائی مانند شرقی-غربی، مذهبی-غیر مذهبی، ملی-جهانی و ... ادامه یافت. با فرو افتادن در ورطه نامشخص تباین سنت در برابر مدرن شدن، این موضوع محافل سیاسی و فرهنگی را جمیعاً به خود مشغول داشت. از نظر جغرافیایی واقع شدن در منطقه‌ای مابین خاور و باختر و از نظر تاریخی سرگستگی میان میراث آسیایی، آناتولیایی، عثمانی و اخیراً جمهوری خواهی، سبب شده تا ترکیه به طور ذاتی همواره سرچشمه بسیاری از دوگانگی‌ها بوده باشد" [بالامیر،^۲ ۱۳۸۲: ۲۰].

"به طور مثال در مقوله معماری ساختمان‌های انجمن مسکن ترکیه و وزارت دفاع ملی دو اثر باقیمانده از سال ۱۹۲۷ هستند که به خوبی دوگانگی فرهنگی را طی سال‌های اولیه استقرار جمهوری به نمایش می‌گذارند. یکی با اصول نئو-عثمانی جریانات ملی این قرن را مجسم کرده است، شیوه‌ای که بعدها به عنوان نخستین سبک ملی شناخته شد، و دیگری با اصول عادی و غیر نظامی، به قول معروف "معماری مکعبی" است که توسط معماران اتریشی وارد شد و در آن روزها کاملاً برای کشور تازگی داشت" [همان: ۲۲].

"شاکله فکری ملی‌گرایی ترکی به عنوان یک نیروی منسجم طی دو دهه اول قرن بیستم پی‌ریزی شد. فشارهای خارجی، عدم انسجام داخلی و رفاه ملت که در درون امپراطوری عثمانی در حال نابودی بود، محیطی را ایجاد کرد که نیاز به یک ایدئولوژی اتحاد بخش جدید بود. از طرفی سکولاریسم موجود در جنبش‌های ملی‌گرا در تضاد با ایده جامعه اسلامی عثمانی بود. بنابراین آن چیزی ایجاد شد که تکلی^۳ فرمول دوگانه ضیاء گوک آلپ^۴ می‌خواند که جنبه‌های مادی و علمی جامعه را به عنوان تمدن و سیستم‌های ارزشی را به عنوان فرهنگ تعریف کرده است. در نتیجه یک انشعاب بین فرهنگ، هویت و انسجام ترکی و یک جهت‌گیری بین‌المللی برای رسیدن به پیشرفت‌های علمی و اجتماعی وجود خواهد داشت. فرمول گوک‌آلپ در نهایت نیازمند ملغمه‌ای از تمدن غربی، حکومت جامعه ترک و اسلام به عنوان عقیده شخصی افراد بود" [Holod, 2005: 9]. به اعتقاد گوک‌آلپ ترک‌ها در قدم اول می‌بایست از طریق کشف سنن و تاریخ گذشته خویش محدودیت‌های ناشی از تاثیر فرهنگ‌های بیگانه را از میان برداشته، سپس از وحدت تمام اقوام و ملل ترک از کرانه‌های دریای سیاه گرفته تا کوه‌های تین‌شان چین سرزمینی واحد و یکپارچه یعنی توران بزرگ را تشکیل دهند.

مروری بر تحولات سیاسی و اجتماعی ملی‌گرایانه ترکیه معاصر

در زمانی که غرب به‌شکلی سریع به دنبال انقلاب فرانسه (۱۷۸۹) نیروی حرکتی جدیدی پیدا کرد، امپراتوری عثمانی وارد یک دوره رکود و کاملاً در پی این پیشرفت‌ها متوقف شد. موفقیت‌های اقتصادی و پیشرفت‌های نظامی و علمی ملل اروپایی، رهبران عثمانی را متحیر ساخته بود، لذا روابط تجاری با امپراتوری بریتانیا، فرانسه، اتریش و روسیه برقرار شد و پیمان تجاری سال ۱۸۳۸ بین امپراتوری‌های عثمانی و بریتانیا که اولین سند رسمی مربوط به کاپیتالیسم غرب در ترکیه دانسته می‌شود، منعقد شد. طی این دوران ترک‌های برگزیده از فرانسه و بریتانیا با هم پیمانان خارجی‌شان دیدار می‌کردند و در مورد یافته‌هایشان گزارش ارائه می‌کردند. "فرایند توسعه این تبادلات توسط اصلاحات با عنوان "تنظیمات"^۵ در سال ۱۸۳۹ تعریف و تدوین شد. بیانیه "تنظیمات"، هدفش؛ نوسازی، بازسازماندهی و متحد و روزآمدتر شدن تمام جنبه‌های بخش دولتی بود. ضمناً علی‌رغم اینکه این کار عمده‌تاً یک اصلاحات قانونی بود، اما دیدگاهی از زندگی شهری را به همراه آورد که همسو با بقیه دنیای پیشرفته بود" [Ayatac, 2007:116].

"برنامه "تنظیمات" ابتدا بر اصل برابری تحت قانون تأکید می‌کرد و امنیت زندگی و مال را برای همه توابع امپراتوری تضمین می‌نمود. سپس اقدامات اصلاحی قابل توجه در فضای قضایی، آموزشی و مالی به اجرا درآمد و ساختار اجرایی دولت، تغییر و تحول پیدا کرد. اصلاحات "تنظیمات" توسط نخبگان، با یک جهت‌گیری غربی تدوین شد و به عنوان اولین برنامه فراگیر و منسجم با مدل قراردادن سازمان‌ها و نهادهای اروپایی اقدام به پیاده سازی شد" [Bozdoghan: 1997].

لذا به‌نظر می‌رسد الگوی ساختاری برنامه تنظیمات نه تنها برگرفته از روش‌های سیاسی غرب بوده، بلکه برنامه‌ریزی و اجرای آن نیز توسط مستشاران غربی صورت گرفته است. کشورهایی نظیر انگلستان، فرانسه و روسیه با نفوذ در عوامل داخلی حکومت عثمانی و تحت تاثیر قرار دادن آنها تلاشی برنامه‌ریزی شده در جهت القای دیدگاه‌های خود در پیاده‌سازی برنامه تنظیمات داشتند. آیاتاک در مقاله‌ای تحلیلی با عنوان "تاثیرات بین‌المللی ایده‌های برنامه‌ریزی در استانبول" مسئله نفوذ تفکر خارجی‌ان را به گونه‌ای آغاز مدرنیزاسیون می‌داند: "پشتیبانان و هدایت‌کنندگان تنظیمات این دیدگاه را داشتند؛ فردی که می‌خواهد مثل اروپایی‌ها زندگی کند، باید مثل اروپایی‌ها رفتار کند. بعضی از افراد مهم این دوره، مصطفی رشید پاشا (دوستدار انگلیس) علی پاشا (دوستدار فرانسه) و محمود ندیم پاشا (دوستدار روس) بودند. محققانی همچون رفعت اوکارول^۶ که تاریخ سیاسی کشور را بررسی می‌کنند، این دیدگاه را دارند که اصلاحات "تنظیمات" ملی نبوده و تقریباً منشأهای خارجی داشته؛ بنابراین فرایند درونی نداشته و طرح تحمیلی بیگانه بوده است. مخالفین و عقیده دارند که این اصلاحات در واقع آغاز مدرنیزاسیون است و مطرح می‌نمایند اگر چه کشور با پیروی از یک مسیر ساده تر و اتخاذ روش‌های غربی غیر صنعتی به حرکت درآمده بود، اما فرایند اتخاذ نه ساده بود و نه مستمر" [Ayatac, 2007:6].

برنامه "تنظیمات" از سوی کشورهای اروپایی استعمارگر مورد توجه و حمایت قرار گرفت و وابستگی اقتصادی عثمانی به اروپا افزایش یافت. تورم به دنبال جنگ و افزایش مخارج دفاعی و همچنین نیازمندیهای دولت گسترش یافته به استقراض‌های عمده از خارج بود. نتیجه چنان شد که در ۱۸۸۱ وزارت "بدهی‌های دولت عثمانی" استقرار یافت که توسط نمایندگان انگلیسی اداره می‌شد تا بر اوضاع اقتصادی امپراتوری عثمانی تسلط کامل پیدا کند. از طرفی، افرادی به عنوان مدیران برنامه اصلاحات با حقوق‌های کلان و زندگی تجملاتی به شیوه غربی حضور ثابت خود را نشان دادند. "در واکنش به این اوضاع" انجمن سری عثمانی جوان^۷ در ۱۸۶۵ توسط افرادی با انگیزه سیاسی تأسیس شد که مشارکت سیاسی بیشتر مردم و حضور یک دولت مردمی را عنوان می‌کرد. در ۱۸۷۶ اولین قانون اساسی اعلان و یک رژیم پارلمانی برقرار شد. اما سلطان عبدالحمید دوم به بهانه جنگ ۱۸۷۷ روسیه و عثمانی پارلمان را تا چند ماه پس از شروع لغو نمود و سیاست استبدادی را به منظور تضمین دوباره حق انحصاری سلطنت آغاز کرد. اعضای روشنفکران اصلاح‌طلب که در صدد استقرار دوباره یک رژیم مشروطه بودند به کارشناسان جوان و به‌ویژه دانشجویان مدارس نظامی و نظامی - پزشکی پیوستند تا واحدهای مخفی "کمیته اتحاد و پیشرفت" (CUP) را سازماندهی کردند بلاخره انقلاب "ترک جوان" در ۱۹۰۸ رخ داد که عبدالحمید دوم را برکنار کرده و دوباره پارلمان گشوده شد.

جنبش "ترک جوان" ارکان بنیادی پیشرفت سیاسی، اقتصادی و علمی را مطرح می‌نمود. در واقع دولت آنها طی جنگ‌های بالکان (۱۹۱۱-۱۹۱۳) مجبور شد ملی‌گرایی ترکی را به عنوان تنها خط مشی و ایدئولوژی ممکن بپذیرد. پان اسلامیسیم، که در محافل نزدیک به کاخ طی دوره حمیدی به دنبال ملی‌گرایی عربی بیان می‌شد، هم ناپدید گشت [Holod,2005:6].

جنگ جهانی اول به طور شهودی پایان امپراتوری عثمانی بود. قلمروهای آن تقسیم و اغلب تصرف شد. "مصطفی کمال" ارتشی از داوطلبان را در آناتولی جمع کرد تا جنگ استقلالش (۲۲-۱۹۲۰) را بر علیه اشغال آناتولی توسط یونانی‌ها راه اندازد. در سال ۱۹۲۰ اولین مجلس ملی را در آنکارا برقرار کرد. مصطفی کمال با بیرون راندن موفق نیروهای اشغال‌گر و تضمین تمامیت دولت ترکیه به برنامه خود برای ایجاد یک دولت مدرن دست یازید. در ۲۹ اکتبر ۱۹۲۳، جمهوری ترکیه اعلان و سال بعد به طور بین‌المللی در کنفرانس لوزان به رسمیت شناخته شد. در این راستا نیروهای (CUP) با ملی‌گرایان غرب‌گرا که پان‌ترکیسم را رد می‌کردند، جایگزین و یک تئوری تک‌قطبی ملی‌گرایی براساس شهروندی مطرح شد.

تلاش‌های دولت ایران و ترکیه در تقویت و انسجام هویت ملی

در دو دهه آغاز قرن بیستم غیر از دگرگونی اندیشه‌ها که سبب شد ایران و ترکیه ساخت‌های کهنه امپراتوری‌های خود را رها کنند، طرز نوینی از زندگی نیز در میان برخی از قشرهای اجتماعی در شهرهای بزرگ ایران پدید آمد.

آتاتورک تحت تأثیر افکار مکتب پوزیتیویسم و تمایلات جمهوری طلب خود، اصلاحاتی بنیادین را آغاز کرد؛ مانند از میان بردن قدرت دنیوی خلافت (۱۹۲۲) و آنگاه حذف خلافت (۱۹۲۴) و اعلام جمهوری به جای سلطنت. دین را از دولت جدا ساخت، تقویم میلادی را جانشین تقویم هجری کرد، الفبا را تغییر داد، خانقاه‌ها را بست و بر اهل طریقت سخت‌گرفت و کوشید زبان ترکی را از لغات عربی و فارسی پاک کند. "فرمان‌های کمال آتاتورک معروف به شش پیکان کمالیسم در ترکیه جدید به اجرا درآمد. آنها عبارت بودند از: ملی‌گرایی، جمهوری‌خواهی، مردم‌گرایی، غیر مذهبی بودن حکومت (لائیک)، اقتصاد دولتی و روحیه انقلابی. گذر زمان نشان داد که مهم‌ترین این فرمانها، حکومت لائیک بوده است" [کیانی، ۱۳۸۳: ۶۹].

در آغاز سده چهاردهم شمسی، پدیده جهانی ناسیونالیسم معاصر در قالب یک دیدگاه سیاسی توانست تعریفی جدید از ملی‌گرایی را در قبال ناسیونالیسم تاریخی که جایگاهی مداوم در طول تاریخ داشت، ارائه دهد که بزرگ‌ترین ثمره‌اش جایگزین کردن علایق ملی و باستانی به جای آئین‌های قومی و دینی بود.

" این پدیده در آغاز سلطنت رضاشاه همراه با نوسازی، توسعه و با دست اندازی به داشته‌های تاریخی، حرکتی نهضت‌گونه را در تمام زمینه‌ها ایجاد کرد که یکی از آثارش معماری ای بود با گرایش شدید باستانی. این دوره کوتاه ولی نمایان باستان‌گرایی در ابراز اندیشه‌ها و اهداف ناسیونالیستی خود سه دستاویز داشت :

اول : دین اسلام و حذف تدریجی آن از صحنه سیاست و کنار گذاشتن نشانه‌های فکری و عملی دین که در تعبیر آن دوره، عقب‌ماندگی و مانعی برای توسعه محسوب می‌شد.

دوم : آئین زرتشت که تقویت آن نه به منظور جایگزین کردن و اشاعه دین باستانی، بلکه وجه المصلحه قرار دادن برای اقتدار بازیافته دوران پیش از اسلام بود.

سوم : شاهنامه فردوسی و دستاویز قرار دادن آن در مقام زبان و ادبیات جدید پهلوی و بهره برداری از آن در جهت احیاء دوباره تمدن باستانی" [همان : ۸۹].

ایران در عین اینکه به دنبال تجدد بود، هیچگاه نخواست اروپایی شود (در صورتی که هدف ترکیه این بود)، چرا که از لحاظ فرهنگی خود را برابر با آنها می‌دانست و گمان می‌برد که فقط از لحاظ علم و فن، عقب‌ماندگی دارد و می‌تواند خود بماند و این فنون را به آسانی اخذ کند. به تمدن غرب احترام می‌گذاشت. تصویری که از اروپایی داشت همراه با ستایش بی‌اندازه بود. اما آنچه

را که نمی‌توانست تحمل کند، ایرانیانی بودند که بدون درک واقعی تمدن غرب و فقط به خاطر آن که چندی در اروپا بسر برده بودند، ادای فرنگی را در می‌آوردند. "نخست مجد الملک از" شتر مرغ‌های ایرانی که از فرنگ برگشته‌اند" سخن گفت و سپس این موجود عجیب در آثار دهخدا، جمال‌زاده، مقدم، شادمان، آل احمد؛ "فرنگی مآب"، "فکلی"، "جعفر خان" و سرانجام "غریزه" نام گرفت [بهنام، ۱۳۸۶: ۱۵۷].

نقش تعاملات ایران و ترکیه در شکل‌گیری جنبش‌های ملی‌گرایانه

تعاملات سیاسی و فرهنگی ایران و ترکیه در سال‌های نخست قرن بیستم در دو سطح قابل بررسی است: اول، برقراری ارتباط سیاسی بین رؤسای دولت ایران و ترکیه در جهت تعمیق روابط و دوم، بروز روابط فرهنگی و اجتماعی بین روشنفکران دو کشور که عمده‌تاً موجب بروز وقایع سیاسی مردمی و مسایل فرهنگی در کشور ایران شد.

"در منطقه خاورمیانه، ترکیه و ایران دو دولتی بودند که زودتر از همه در درون نظام سیاسی بین‌المللی پدید آمده و به رسمیت شناخته شدند. هر دو پس از توافقی‌های نهمی صلح و در پی جنگ جهانی اول و پس از جنگ استقلال ترکیه به عنوان دولت‌هایی حاکم بر سرنوشت خویش پدید آمدند و رفتار سیاستمداران‌های در پیش گرفتند تا حداکثر استفاده از حضور خود در صحنه سیاست جهانی ببرند. ایران به عنوان کشوری بی‌طرف در جنگ، در نوامبر ۱۹۱۹ (آبان ۱۲۹۸) با تصویب اعضای مؤسس با مقام "عضو اصلی" در "جامعه ملل" پذیرفته شد [مرعشی، ۱۳۸۷: ۱۵۵].

ترکیه، به نوبه خود، از کوره حوادث بسیار سخت جنگ بزرگ جهانی سربرآورد و به امضای یک رشته قراردادهای دو جانبه با اتحاد شوروی، فرانسه، بریتانیا، ایتالیا، رومانی، یوگسلاوی و یونان پرداخت. پذیرش ترکیه در "جامعه ملل" در ۱۹۳۲ (۱۳۱۱) با توجه به شناسایی رسمی دولت ترکیه از ۱۹۲۳ (۱۳۰۲) طبق عهدنامه لوزان عملی نسبتاً دیر هنگام بود. دیدار رضاشاه در سال ۱۳۱۳ از ترکیه دارای معنای فرهنگی و سیاسی مهمی بود که بر چالش‌های مدرنیته و هویت ملی در ایران تأثیرگذار شد.

از لحاظ داخلی این دیدار رسمی برای عموم مردم دو کشور برنامه‌ریزی و طراحی شده بود، و درست در هنگام استوارترین دوره انجام طرح‌های ملی‌گرایانه هر دو رهبر به نمایش گذارده شد و فرصتی بود برای ترکیه و ایران که نهادهای ملی جدید ساخته شده را در معرض دید دو ملت خویش قرار دهند.

"لذا دولت ایران روابط خود را با جمهوری جدیدالتاسیس ترکیه بسط داد و برای دومین بار در تاریخ صد و پنجاه ساله اخیر از اصلاحات ترکیه تقلید کرد. اما اهمیت این تقلید با آنچه که در قرن نوزدهم روی داده بود قابل مقایسه نبود و به تقلید از ظواهر تجدد در ترکیه اکتفا شد و به مظاهر اصلی تغییرات ترکیه که عبارت از جدایی میان دین و دولت، تغییر القبا، تغییر تقویم، مشارکت سیاسی مردم در امر حکومت و اعلام جمهوری بود، توجهی نگردید" [بهنام، ۱۳۸۶: ۱۳۴].

"مسئله قابل توجه دیگر در بازدید رضاشاه از ترکیه، بازتاب مقالات نویسندگان ترک درباره پیوند تاریخی ایران و ترکیه بر هویت ملی دو کشور بود. در این زمینه مهم‌ترین شخصیت خبری ترکیه احمد آقا اوغلو (۱۸۶۹ / ۱۹۲۹ - ۱۲۴۸ / ۱۳۱۸ هـ.ش) بود که در روزنامه جمهوری و در طول دیدار رسمی رضاشاه از آن کشور، مطالبی در این رابطه مطرح می‌ساخت. آقا اوغلو در منطقه جنوبی قفقاز زیر سلطه روسیه زاده شد و در طول زندگی خود سراسر قفقاز، امپراتوری عثمانی و اروپا را زیر پا گذاشت. ... مقالات وی مستقیماً به دیدار رضاشاه از ترکیه مربوط نمی‌شد، بلکه اندیشه‌های گسترده‌تری را درباره پیوندهای تاریخی و فرهنگی ترکیه و ایران نیز مطرح می‌کرد. مثلاً مقاله ۲۵ خرداد آقا اوغلو با اشاره به اسطوره تاریخی شاهنامه فردوسی به عنوان منبع درک رابطه میان ایران و ترکیه آغاز شد. او می‌نویسد:

روابط ایران و ترکیه تا قبل از دوره مصطفی کمال و شاهنشاه رضاخان پهلوی را می‌توان در این کلمات خلاصه کرد: مبارزه بیهوده، رقابتی بی‌معنا، اثر تخیلی فردوسی یادگار زنده این رقابت دیرینه حتی از پیش از اسلام است. شایسته یادآوری است که به نوشته فردوسی این دو ملت از یک ریشه‌اند. به گفته ابن نابغه، اولین پادشاه فریدون بود که سه پسر داشت. پسر اول تور، پسر

دوم ایرج و پسر سوم سلم نام داشت. او توران را به پسر اول، ایران را به پسر دوم و دره دجله - فرات را به پسر سوم بخشید. پسران دوم و سوم علیه پسر اول همدست شدند و بدین ترتیب این کشمکش دیرینه آغاز شد.

اسطوره - تاریخ شاهنامه فردوسی از همان آغاز به درونمایه مهم این دیدار رسمی تبدیل شد.^{۱۱} به روی صحنه آوردن اپرای سفارشی «اوزسوی» [تبارناب] با تکیه بر تبارشناسی اسطوره‌ای - تاریخی حماسه فردوسی، یکی از رویدادهای تبلیغاتی سفر آنکارا بود که رضاشاه و مصطفی کمال در آن حضور یافتند. استفاده آقا اوغلو از شاهنامه برای پی‌جویی تبارشناسی ترکان و ایرانیان دست کم دو هدف را دنبال می‌کرد: نخست این که استفاده از شاهنامه بخشی از برنامه گسترده فرهنگ ملی غیر مذهبی در هر دو کشور بود ... دوم، و در آن زمان مهمتر، رجوع به تبارشناسی اسطوره‌ای - تاریخی شاهنامه باعث می‌شد که ایران و ترکیه با تاریخ مشترکی به هم پیوند یابند. آغاز انتشار ۹ مقاله پی در پی، در آستانه رسیدن رضاشاه به ایستگاه راه آهن آنکارا بود و تا ده روز از سفر به آنکارا تا دیدار از ازمیر و استانبول ادامه یافت^{۱۲} [مرعشی، ۱۳۸۷: ۱۶۸].

تأثیرات تبیین حکومتی هویت ملی در ظهور جنبش‌های ملی معماری ترکیه و ایران

الف. ترکیه

ملی‌گرایی معماری در ترکیه معاصر تا اوایل دوران جمهوری

توسعه آنکارا به عنوان شهری مدرن که تأثیری از موفقیت رژیم جمهوری تشخیص داده شده بود، حرفه معماری را با چالشی بزرگ روبرو کرد. لذا در دهه ۲۰ رهبران جمهوری برای ارائه راه حل ارائه به سمت قهرمانان آنچه به عنوان "اولین جنبش معماری" نامیده شده بود، روی آوردند.

در این راستا تلاشی گسترده جهت ارائه الگویی جدید از معماری که بتواند ضمن تبیین تغییرات در طراحی معماری نسبت به آنچه که پیش از این طراحی می‌شد، اقتدار تاریخی امپراتوری عثمانی را نیز به نمایش بگذارد، صورت پذیرفت. لذا به نظر می‌رسد این تجربه موجب آغاز ظهور التقاط‌گرایی در معماری ترکیه شده باشد.

"النقاط‌گرایی جدید یک تأثیر اساسی بر توسعه حرفه معماری داشت. یک برنامه آموزشی، مستقل از مهندسی، در آکادمی هنرهای زیبا شروع شد که در ۱۸۸۲ تأسیس شده بود. با اینکه مدرسه مهندسی معماری که در ۱۸۸۴ تأسیس شده بود، یک دوره آموزش معماری را ارائه می‌داد، اما هنوز از مهندسی تفکیک نشده بود. ولوری^{۱۳} در اولی و چکوند^{۱۴} در دومی تدریس می‌کردند. کمال‌الدین بیگ^{۱۵} بنیانگذار سرشناس اولین جنبش معماری ملی، دانشجوی چکوند بوده است. او پس از فارغ‌التحصیلی در ۱۸۹۱، به عنوان دستیار مدرس خود منصوب شد. در ۱۸۹۶ کمال‌الدین بیگ به مدرسه فنی شارلوت تنوری^{۱۶} در برلین فرستاده شد که در آنجا برای دو سال معماری خواند. سپس برای چندین معمار، قبل از بازگشت به ترکیه در ۱۸۹۰ کار کرد. فرد دومی که نقشی پیشگامانه در توسعه اولین جنبش ملی معماری ایفا کرد، یعنی ودات تک^{۱۷}، آموزش معماری‌اش را در "مدرسه ملی هنرهای زیبا" قبل از بازگشت به فرانسه در ۱۸۹۷ گذراند. کمال‌الدین بیگ و ودات تک پس از بازگشت به ترکیه به ترتیب شروع به تدریس در "مدرسه مهندسی راه و ساختمان" و "آکادمی هنرهای زیبا" نمودند. آنها در سخنرانی‌های خود اصول یک معماری براساس استفاده از عناصر عثمانی - اسلامی را تدوین کرده و کادر کوچکی از معماران جوان را آموزش دادند. اما قبل از ۱۹۰۸ عملکرد آنها محدود بود: تنها نمونه قابل توجه "اداره مرکزی پست" کار ودات تک بود (تصویر ۱): [Holod, 2005: 18].

"وقتی آنکارا به عنوان پایتخت استقرار یافت، اولین جنبش ملی معماری سبک غالب معماری بود. علاوه بر کمال‌الدین بیگ و ودات تک، ساختمان‌های جمهوری جدید توسط عاریف حکمت^{۱۸}، احمد کمال^{۱۹}، تحسین سرمد^{۲۰}، علی طلعت^{۲۱}، فاتح اولکو^{۲۲}، محمت نیهات^{۲۳} و گیولیو مونگری^{۲۴} مدافع معماری ملی که در آکادمی هنرهای زیبا تدریس می‌کردند، ساخته شد [همان: ۱۹].

ملی‌گرایی معماری در ترکیه از آغاز دوران جمهوری

ابتدای قرن بیستم، معماری معاصر ترکیه همچون برخی کشورهای منطقه با توجه به تغییرات اساسی در ساختارهای سیاسی و اجتماعی، تحت تأثیر جنبش‌های داخلی و نیروهای خارجی، در چند دوره، جریان‌های معماری متفاوتی را تجربه کرده است. همانطور که در مقدمه اشاره شد عده‌ای از منتقدین معماری ترکیه دو دوره زیر را به عنوان دوره احیاء معماری عثمانی دانسته‌اند که به تشریح نحوه تأثیرگذاری سیاست‌های دولت ترکیه بر ظهور جنبش‌های ملی‌گرا می‌پردازیم:

۱- سال‌های اول، دوره گذار ۱۹۲۳ تا ۱۹۲۸

۲- سال‌های جنگ ۱۹۳۸ تا ۱۹۵۰

۱. سال‌های اول، دوره گذار

پس از جنگ استقلال (۱۹۲۲-۱۹۲۰) و اعلام جمهوری ترکیه در ۱۹۲۳، آغاز دهه دوم قرن بیستم در این کشور به طور طبیعی به ترمیم خرابی‌ها و تثبیت وضعیت سیاسی کشور پس از جنگ جهانی اول گذشت. اصلاحات در این کشور درصدد ایجاد یک دولت ملی بر روی ویرانه‌های امپراتوری عثمانی بود. در حوزه معماری و شهرسازی اولویت‌های کارکردی به شرح ذیل معرفی شده است:

۱. ساخت ساختمان‌های خدماتی همراه با سرمایه‌گذاری مهندسی مثل ملی‌سازی ساختمان‌های نیمه تمام و بهبود شبکه حمل و نقل
۲. ترمیم شهرهای آناتولیایی که در جنگ تخریب شده بودند و ساخت بناهای خدماتی در مقیاس کوچک
۳. ساخت آنکارا به عنوان شهر پایتختی جدید

جمهوری ترکیه درصدد رهاسازی خود از تصویر عثمانی و ایجاد یک ملی‌گرایی تلفیق شده در ایده‌آل‌های جمهوری خواهی بود. ساخت و توسعه آنکارا به عنوان شهری مدرن، حرفه معماری را با چالشی بزرگ مواجه کرد. رهبران جمهوری برای حل این مسئله به معمارانی روی آوردند که بعداً به عنوان "اولین جنبش ملی" نامیده شد. البته "ایلهان تکلی" در "کتاب معماری مدرن ترکیه" این طور مطرح می‌نمایند که: "حتی این اطمینان وجود ندارد که آیا هرگز توجه خاصی به تقویت و تشویق یک چنین سبکی وجود داشته است یا نه. شاید تقاضا از سوی مالکان این ساختمان‌ها، یعنی شرکت‌های خارجی بوده که ممکن است امیدوار بوده‌اند به این وسیله تا حدی مقبولیت بیشتر به دست آورند."

تقریباً بیشتر ساختمان‌های ساخته شده در این دوره از ویژگی‌های طراحی معماری عثمانی تبعیت می‌کرد. تعدادی از نمونه‌های اصلی پروژه‌های ساخته شده با ویژگی‌های احیاء معماری عثمانی بین سال‌های ۱۹۲۳ تا ۱۹۲۸ را می‌توان در تصاویر ۲ و ۳ مشاهده کرد.



تصویر ۲. موزه مردم‌شناسی، اثر عارف حکمت بیگ، آنکارا، ۱۹۲۸.

عکس: ج. سهیلی، ۱۳۸۹



تصویر ۱. اداره پست مرکزی، اثر ودات تک، استانبول، ۱۹۰۹

مأخذ: Holod, 2005:46

۲. سال‌های جنگ ۱۹۵۰ - ۱۹۳۸

"بسیاری از منتقدین معاصر معماری ترکیه نظیر اوستن آلساک^{۳۱} و ایلهان تکلی^{۳۲} در کتاب معماری مدرن ترکیه سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۳۸ را دوره دوم جنبش‌های ملی‌گرایانه در معماری می‌دانند. دلایل متعددی در ظهور مجدد ملی‌گرایی در معماری ترکیه مطرح می‌شود که می‌توان به تعدادی از آنها به شرح ذیل اشاره نمود:

۱. بحران اقتصادی ناشی از جنگ جهانی دوم و عدم ورود مواد و مصالح ساختمانی نظیر فولاد، شیشه و سیمان که از ضروریات ساخت و ساز مدرن بودند. حتی معمارانی که طرفدار جنبش مدرن بودند، مجبور شدند به مواد ساختمانی منطقه‌ای در روش‌های ساخت و ساز روی بیاورند.

۲. تأثیر روانشناختی جنگ جهانی دوم که احساس خلق همبستگی ملی و ایستادگی در برابر فشارهای خارجی را ایجاد نمود. لذا هر ساختمانی که طی سال‌های جنگ ساخته می‌شد، بازتاب‌دهنده این جو بود.

۳. حمایت سازمان‌ها و وزارتخانه‌های مربوطه از وضع قوانینی که بتواند سبک معماری ترکی به منظور حفظ یکنواختی ویژه‌ای را در شهر ایجاد نماید.

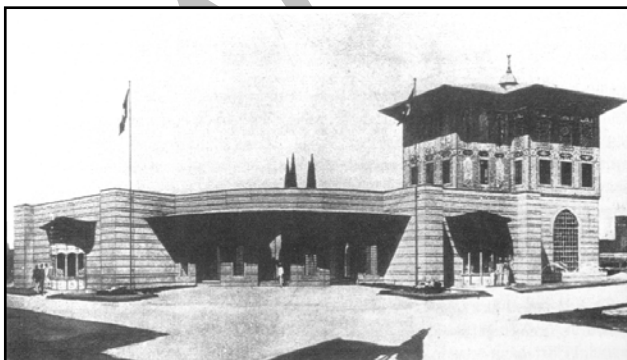
۴. برگزاری "سینار معماری ملی" توسط سادات حکمی الدم^{۳۳}، در سال ۱۹۳۴

۵. مستحکم شدن روابط آنکارا با اتحاد شوروی و ایتالیا که موجب تبلیغ دستاوردهای این دو کشور در زمینه ملی‌گرایی جدیدشان شد. در زمینه معماری نیز در سال ۱۹۳۴ نمایشگاه معماری فاشیستی ایتالیا در آنکارا و برگزاری نمایشگاه معماری فاشیستی آلمان در سال ۱۹۳۴ معماران ترک را تحت تأثیر رویکردهای جهانی به سمت رویکردهای ملی "یادبود سازی" قرار داد [همان: ۳۷-۳۳]. شایان ذکر است که جنبش دوم ملی‌گرایی معماری ترکیه دارای تفاوت‌های اساسی و شباهت‌هایی با جنبش اول ملی‌گرایی داشت که مهم‌ترین گرایش‌های آن را می‌توان از دیدگاه عقیف باتور به شرح ذیل نام برد:

۱. نوستالژیک و معاصر سازی گذشته

در این گرایش، رسیدن به اصول و معیارهای طراحی دیاگرام‌های پلان از طریق آنالیز اندازه‌ها، نسبت‌ها و فرم‌های معماری گذشته - و نه انتخاب و استفاده مستقیم از پلان‌های تاریخی - هدف اصلی بود. بهترین نمونه معماری این گرایش پروژه پایوبون ترکیه برای نمایشگاه بین‌المللی نیویورک در سال ۱۹۳۹ توسط سرات حکمی الدم بود. این بنا نمونه زیبایی از نوسازی ساختمان‌های سلطنتی عثمانی بود که با رخبامهای طلایی و پنجره‌های گچی به شکل سقاخانه با قوسهای تیز، روند این گرایش را آغاز کرده بود.

یک اثر ارزنده دیگر در این گرایش بنای قهوه‌خانه شرقی اثر الدم در دهه ۴۰ بود که به دیاگرام‌های بزرگ سنتی اشاره داشت که با بخشهای الحاقی به چهار سمت باز می‌شد و دارای پنجره‌های عریض با تزئینات مشابه معماری گذشته بود (تصویر ۴).



تصویر ۴. بنای قهوه‌خانه شرقی اثر الدم، استانبول ۱۹۵۰-۱۹۴۸
مأخذ: Holod, 2005:104



تصویر ۳. هتل پالاس، اثر ودات تک و کمال الدین بیک، آنکارا، ۱۹۲۷
عکس: ج. سهیلی، ۱۳۸۹

۲. یادمانی و آکادمیک

رویکرد دوم، ملی‌گرایی یادمانی و آکادمیک است که براساس نظریات هلمز میستر^{۳۳} و بوناتز^{۳۴} شکل گرفت. در این رویکرد از اصل معماری مدرن غرب بهره‌گیری شد و ویژگی ملی‌گرایانه آن در اجزاء و عناصر معماری مثل پنجره‌ها، سرستون‌ها و ... با استفاده از تکنیک‌های ساخت و مواد مدرن ظاهر شده است "[همان : ۳۹]؛ (تصویر ۵).

۳. مردمی و محلی

سومین رویکرد، روندی است که به جستجوی ملی‌گرایی در ترکیب عناصر منطقه‌ای و اصول منطقی (فردگرا) می‌پردازد. این رویکرد در واقع سعی می‌کرد پیشینه معماری شهرهای آناتولی را جایگزین جغرافیای عثمانی نماید. در این راستا یک گروه از کارکنان دانشکده معماری دانشگاه فنی استانبول مطالعات قوی روی موضوع معماری خانه‌های آناتولی انجام دادند. (تصویر ۶)



تصویر ۶ خانه گوورونو^{۳۷} (اقامتگاه فرماندار). اثر اونات، بورسا^{۳۸}
مأخذ: Batur, 2005: 38



تصویر ۵. مقبره آتاتورک، اثر اونات و آردا، آنکارا، ۱۹۵۳-۱۹۴۴
عکس: ج. سهیلی، ۱۳۸۹

ب. ایران

ملی‌گرایی معماری ایران در دوره پهلوی اول

به اعتقاد بیشتر منتقدان، معماری ایران در تداومی تاریخی تا پایان دوره قاجاریه تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی مسیر تکاملی خود را پیموده و با حفظ اصالت و هویت خاص خود فراز و نشیب‌های متفاوتی را نیز تجربه کرده است. در پایان دوران قاجاریه و آغاز دوران پهلوی کشور ایران شاهد تحولات و دگرگونی‌های اساسی است که عمدتاً تحت تأثیر عوامل خارجی بود. این تحولات در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی رخ می‌دهد که در عرصه معماری از آن به عنوان دوران "تحول و گسست"، دوران "دگرگونی و انتقال" و ... نام برده‌اند. در حوزه ملی‌گرایی معماری، بیشتر صاحب‌نظران معتقدند که معماران این رویکرد در صدد استفاده از عناصر معماری پیش از اسلام بوده‌اند. "وحید قبادیان" معتقد به شکل‌گیری "سبک ملی" در معماری این دوران است. سبک ملی از دیدگاه ایشان به نمایش گذاشتن برخی تزئینات معماری باستان در معماری دوره پهلوی اول است. "مصطفی کیانی" نیز در دسته‌بندی سبک‌های معماری دوره پهلوی اول، سه سبک معماری سنتی، معماری باستانی و سبک معماری مدرن را معرفی می‌نماید که در مقوله ملی‌گرایی در معماری این دوران به یکی از گرایش‌های سبک معماری باستانی ایران اعتقاد دارد.

لذا نکته حائز اهمیت آن است که در معماری دوران پهلوی اول، علی‌رغم توجه ویژه حکومت به باستانگرایی در معماری، معماران این دوران ضمن تجربه باستانگرایی، توجه خود را به برخی عوامل معماری بعد از اسلام نیز معطوف داشته‌اند و گاه با ترکیب تزئینات و عناصر معماری قبل و بعد از اسلام سعی در تبیین هویت ملی در معماری ایران از طریق اعمال هویت ملی مذهبی نموده‌اند. بنابراین می‌توان آغاز ملی‌گرایی در معماری ایران را در دوره پهلوی اول دانست که ظهور این جنبش‌ها بر مبنای سه وجه غالب در تأثیرپذیری از گرایش‌های اجتماعی به شرح ذیل بوده است:

- الف. معماری ملی‌گرا با گرایش به معماری مدرن غرب
 ب. معماری ملی‌گرا با گرایش به معماری پس از اسلام
 ج. معماری ملی‌گرا با گرایش به معماری پیش از اسلام

الف. معماری ملی‌گرا با گرایش به معماری مدرن غرب

در دوره پهلوی اول، حضور مستشاران آلمان در حوزه‌های مختلف و انتقال رویکردهای باستان‌گرایانه توأم با سلطه‌طلبی دیکتاتورهای فاشیسم اروپا به ایران، موجب شد در حوزه معماری نیز بخشی از تحولات بر این مبنای رخ دهد. حضور گسترده و فعال شرکت‌های خارجی که عمدتاً شرکت‌ها و مهندسی آلمانی بودند و عموماً در محیط ساخت و ساز ابنیه دولتی نظیر شهربانی و شهرداری شهرهای مختلف ایران از جمله تبریز، ارومیه، شیراز، رشت، گرگان و ... فعالیت می‌نمودند، باعث شد تا گونه‌ای از ملی‌گرایی معماری بر اساس الگوهای معماری مدرن غرب با حفظ برخی تزئینات به صورت محدود مربوط به پیش از اسلام در نمای ساختمان‌ها شکل گیرد. از دیگر ویژگی‌های این جنبش ملی‌گرایی در معماری می‌توان به تبعیت کاربرد مصالح بر اساس ویژگی‌های معماری مدرن اشاره کرد. از جمله این ساختمان‌ها می‌توان به بناهای ذیل اشاره کرد:

۱. ساختمان کاخ وزارت دادگستری، اثر گابریل گورکیان، تهران، ۱۳۲۵ - ۱۳۱۶
۲. بانک ملی ایران، اثر محسن فروغی، تبریز
۳. بانک ملی ایران، شعبه بازار تهران، اثر محسن فروغی، ۱۳۲۰
۴. بانک ملی ایران، اثر محسن فروغی، شیراز (تصویر ۷)

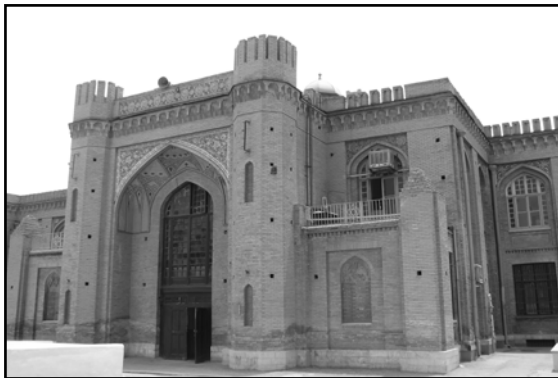
ب. معماری ملی‌گرا مبتنی بر گرایش به معماری پس از اسلام

تا آنجا که حکومت پهلوی اول دارای یک حرکت و چرخش از دین‌دوستی در دهه اول به دین‌گریزی و دین‌ستیزی در دهه دوم بود این پدیده در تأثیرپذیری تداوم معماری سنتی ایران قابل مشاهده است. تعدادی از بناهایی که در دوره پهلوی اول در ایران احداث شد بر اساس معماری سنتی و پیشینه اسلامی بود. مصطفی کیانی در کتاب "معماری دوره پهلوی اول" این بناها را در دو گونه به شرح ذیل قابل بررسی و شناسایی می‌داند:

اول: بناهایی که به طور سنتی کارکرد آنها از قبل وجود داشت و غالباً شامل برخی بناهای عمومی، مساجد، مدارس علمیه، اماکن متبرکه و بعضاً خانه‌ها می‌شد و از آن رو که در ساخت آنها اقتدار دولت مرکزی کمترین دخالتی را نداشت می‌توان گفت که دوره جدید تقریباً تأثیری در روند تاریخی - سنتی آن نداشته است.

دوم: این بناها بر اساس نیازهای جدید و الگوی زندگی مدرن تعریف می‌شد. در این بناها معماران متفاوتی سعی نمودند تا با حفظ عناصر و تزئینات معماری بعد از اسلام و گاه ترکیب آنها با ویژگی‌های معماری پیش از اسلام، هویت ملی معماری ایران را تبیین نمایند از جمله این ساختمان‌ها می‌توان به بناهای ذیل اشاره کرد:

۱. بیمارستان شاه رضا (امام رضا علیه‌السلام)، اثر کریم طاهرزاده بهزاد، مشهد، ۱۳۰۷
۲. ساختمان مرکزی پست، اثر نیکلای مارکوف، تهران، ۱۳۱۳.
۳. کالج آمریکایی‌ها (دبیرستان البرز)، اثر لئون مارکوف، (تصویر ۸) تهران، ۱۳۰۴.
۴. مدرسه ایرانشهر، اثر آندره گدار، یزد، ۱۳۱۳.



تصویر ۸. کالج آمریکایی‌ها (دبیرستان البرز)، اثر لئون مارکوف، تهران، ۱۳۰۴. عکس: ج. سهیلی، ۱۳۸۹.



تصویر ۷. بانک ملی ایران، اثر محسن فروغی، بازار تهران عکس: ج. سهیلی، ۱۳۸۹.

ج. معماری ملی‌گرا با گرایش به معماری پیش از اسلام

قرون هجدهم و نوزدهم میلادی تب توجه به باستان‌شناسی در اروپا و آمریکا با چاپ کتاب‌های متعدد از ویرانه‌های قدیمی در روم و یونان باستان حفاری و کاوش‌های باستان‌شناسی و نیز تأسیس موزه‌ها به بالاترین حد خود رسید و این امر در تأثیری جدی در شکل‌گیری معماری گذاشت و ظهور دو شیوه نئوگوتیک و نئوکلاسیک حاصل این بینش بود. در ایران نیز به طور جدی از دوران پهلوی اول شاهد حضور شخصیت‌های علمی نظیر آرتور پوپ آمریکایی و آندره گدار فرانسوی در زمینه مطالعه و شناسایی معماری گذشته ایران هستیم. شکل‌گیری کنگره‌های مهم با رویکرد معرفی هنر باستانی ایران در سایر کشورها و نیز کنگره بین‌المللی هزاره حکیم فردوسی در ایران و تأسیس انجمن آثار ملی در سال ۱۳۰۴ از عواملی بود که توسعه باستان‌شناسی در کشور را موجب شد.

در احیاء و بهره‌گیری آثار معماری باستانگرایی تنها به عناصر ظاهری معماری پیش از اسلام توجه شد. ستون‌ها سرستون‌ها پلکان و نقوش تزئینی و نظایر آن از دوره هخامنشی و ساسانی به وام گرفته شد. البته با توجه به ضرورت طراحی عملکردهای جدید، نیازی به در نظر گرفتن الگوی طراحی پلان‌ها و فضای معماری پیش از اسلام نبود. بناهایی که در این دوران با گرایش ملی‌گرایی باستانی ساخته شدند در دو گونه ذیل قابل بررسی است:

نخست: بناهایی که در طراحی نمای آنها به طور قاطع از عناصر و نشانه‌های باستانی استفاده شد. از جمله آنها می‌توان به بناهای ذیل اشاره کرد:

۱. آرامگاه فردوسی، اثر کریم طاهرزاده بهزاد، طوس، ۱۳۱۳.
۲. نمای شمالی مجلس شورای ملی، اثر کریم طاهر زاده بهزاد، تهران، ۱۳۱۵.
۳. کاخ شهربانی، اثر قلیچ باغلیان، تهران، ۱۳۱۵ (تصویر ۹).
۴. صندوق پس انداز بانک ملی ایران، اثرهاینریش، تهران، ۱۳۱۵.
۵. مدرسه انوشیروان دادگر، اثر مارکف، تهران، ۱۳۱۵.
۶. غرفه ایران در نمایشگاه جهانی، اثر بروکسل، ۱۳۱۴.

دوم: بناهایی که طراحی احجام آنها براساس بناهای باستانی شکل گرفت، بدون آنکه مستقیماً تقلیدی از فرم‌ها یا عناصر معماری هخامنشی، اشکانی و ساسانی داشته باشند. در این دسته از بناها معماران در گذر از تکرار و تقلید یکنواخت، با ذوق خود

روی به طرح آثاری آوردند که بتوانند معرف شخصیت معماری زمان خود باشد؛ هر چند که در این روی آوردن نشانه‌های باستانگرایی وجود داشت. از جمله آنها می‌توان به ساختمان‌های ذیل اشاره نمود:

۱. وزارت امور خارجه، اثر گابریل گورکیان، تهران، ۱۳۱۲-۱۳۱۶ (تصویر ۱۰).
۲. موزه ایران باستان، اثر آندره گدار، تهران، ۱۳۱۲-۱۳۱۴.
۳. بانک ملی اصفهان، اثر محسن فروغی، ۱۳۲۱.



تصویر ۱۰. وزارت امور خارجه، اثر گابریل گورکیان، تهران
عکس: ج. سهیلی، ۱۳۸۹



تصویر ۹. کاخ شهربانی (وزارت امور خارجه فعلی)،
اثر قلیچ باغلیان، تهران، ۱۳۱۵

همانطور که گفته شد معماری ایران در دوره بیست ساله پهلوی اول با توجه به تحولات و نفوذ اندیشه‌های معماری مدرن غرب بستر ظهور و شکل‌گیری چندگونه متفاوت در معماری به طور همزمان بوده است:

۱. معماری مدرن
۲. معماری سنتی
۳. معماری باستانگرایی ایرانی
۴. معماری نئوکلاسیک غرب

از آنجایی که این شیوه‌ها به طور موازی در بستر معماری کشور ایران رخ داده بود، لذا در برخی بناها التقاطی از شیوه‌های فوق ایجاد شدند در این مقاله با توجه به ضرورت بررسی نحوه ظهور ملی‌گرایی در معماری ایران سه شیوه متأثر از گرایش‌های ملی‌گرا از چهار شیوه رایج در این دوره بررسی و زمینه‌های شکل‌گیری آنها تحلیل شد.

نتیجه‌گیری

از آغاز سال‌های ۱۹۲۰ میلادی، دو کشور ایران و ترکیه حکومت‌هایی را تجربه کردند که خواستار تحولات بنیادین در روش‌های حکومت و نحوه زندگی مردم بودند. این حکومت‌ها از سویی چشم به پیشرفت‌ها و تمدن غرب داشتند و از سویی دیگر نیاز به بازخوانی تمدن‌های با شکوه گذشته و تعریف قدرتی تاریخی از کشور خود داشتند. پروژه تعریف هویت ملی با در نظر داشتن بسترهای موجود ملی‌گرایانه هر کشور تحت تأثیر عواملی نظیر خواستگاه‌های مذهبی، کشف جنبه‌های تاریخی و باستانی، نفوذ کشورهای غربی، تأثیرپذیری نخبگان و فرهیختگان از غرب و تعامل حاکمان این دو کشور، موجب ظهور جنبش‌های ملی‌گرایانه شده بود.

تاریخ معماری معاصر ترکیه نیز تحت تأثیر حرکتی پرتکاپو بین نفوذ مدرنیته و گرایش‌های ملی‌گرای قرار گرفته بود. این حرکت در هر دوره منجر به برتری جویی یکی از رویکردهای فوق شده است، به گونه‌ای که می‌توان چنین مطرح کرد که از ۱۹۲۰ تا ۱۹۶۰ در هر دوره ده ساله نوسان ملی‌گرایی و مدرنیته وجود داشته است. همان‌طور که بیشتر نیز توضیح داده شد به طور عمده در دو دوره تاریخی ۱۹۲۳ تا ۱۹۲۸ میلادی (۱۳۰۱ تا ۱۳۰۶ هجری شمسی) و ۱۹۳۸ تا ۱۹۵۰ میلادی (۱۳۱۶ تا ۱۳۲۸ هجری شمسی) جنبش‌های ملی‌گرا در معماری، تحت تأثیر سیاست‌های دولت حاکم ترکیه، اقدام به ارائه پروژه‌های خود نمودند. عمده

ویژگی پروژه‌های هر یک از دو دوره فوق تکرار خصوصیات معماری عثمانی بوده است که در دوره دوم توجه بیشتری به برخی اصالت‌های معماری منطقه‌ای آناتولی و ترکیب با ویژگی‌های معماری مدرن غرب شده است (جدول ۱).

رویکردهای ملی‌گرای	رویکردهای ملی‌گرایانه نظام حکومتی	جنبش‌های معماری ملی‌گرا	خصوصیات گرایش‌های معماری ملی‌گرا	نمونه اثر معماری
اولین جنبش ملی معماری ۱۹۲۳-۱۹۲۸	۱. ملی‌گرایی تلقیح شده در ایده‌آل‌های جمهوری‌خواهی ۲. فشارهای خارجی، عدم انسجام داخلی و عدم رفاه ملت ۳. فرمول دوگانه ضیاء گوک آلپ ۴. توسعه انکارا به عنوان شهری مدرن که موفقیت رژیم جمهوری تشخیص داده شد	دوره گذار	۱. ظهور ویژگی‌های معماری عثمانی در نمای ساختمان‌ها ۲. کاربرد پنجره‌ها با قوس‌های تیز ۳. طراحی کلی پلان‌ها محوری و متقارن همسو با نئوکلاسیسیم اروپایی ۴. خطوط و فرم‌های مشتق از معماری سلجوقی، عثمانی و اسلامی در عناصری مثل ستون‌ها، سرستون‌ها، طاق‌ها، درها، پنجره‌ها و غیره.	۱. موزه مردم‌شناسی ۲. مجلس بزرگ ملی (دومین) ۳. هتل پالاس ۴. انجمن اخوت ترک ۵. انستیتو آموزش غازی ۶. مدیریت کل انحصارات ۷. آی. اس. بانک ۸. بانک کشاورزی
دومین جنبش ملی معماری ۱۹۲۸-۱۹۵۰	۱. بازتاب ملی‌گرایی جدید بر اساس واکنش بر علیه جنبش مدرن بین‌الملل ۲. تغییرات عمده در برنامه‌های درسی آموزش معماری ۳. محبوبیت معماری فاشیستی با نمایشگاه معماری آلمان در ۱۹۴۳ (ملی‌گرایی) ۴. تاریخ رسمی، ترک بودن را تا دوره سلجوقی و تمدن‌های مزوپوتامین ۲۹ و هیتی ۳۰ گسترش میداد. ۵. تفکرات متمرکز بر معماری مدنی عثمانی بود نه معماری مذهبی عثمانی	معاصرسازی گذشته (نوستالژیک)	۱. در نظر گرفتن اصول و معیارهای طراحی دیگرام‌های پلان از طریق آنالیز اندازه‌ها، نسبت‌ها و فرم‌های معماری عثمانی ۲. بهره‌گیری از تزئینات مشابه معماری عثمانی نظیر رخام‌های طلایی و پنجره‌های گچی با قوس‌های تیز.	۱. پایون ترکیه برای نمایشگاه بین‌المللی نیویورک ۱۹۳۹ ۲. قهوه‌خانه شرقی ۳. خانه ساحلی چاپا
		یادمانی و آکادمیک	۱. بهره‌گیری از ویژگی‌های معماری مدرن غرب ۲. اجزاء و عناصر معماری مثل پنجره‌ها، سرستون‌ها و... مشابه معماری عثمانی. ۳. استفاده از تکنیک‌های ساخت و مواد مدرن	۱. مقبره آتاتورک ۲. ساختمان رادیو استانبول ۳. مدیریت کل راه آهن دولتی آنکارا ۴. دانشکده‌های ادبیات و علوم دانشگاه استانبول ۵. بناهای یادبود "پروزی" و "سرباز گمنام"
		مردمی و محلی	۱. ترکیب عناصر معماری منطقه‌ای ۲. پیشینه معماری شهرهای آناتولی، جایگزین جغرافیای عثمانی گردید	۱. پروژه خانه‌سازی کوسویولو ۲. اقامتگاه فرماندار در بورسا اولین خانه‌های لونت ۳۱ اقامتگاه مریانک ۳۲

جدول ۱. تأثیر‌گذاری نظام حکومتی در ظهور جنبش‌های ملی‌گرایانه معماری ترکیه ۱۹۵۰-۱۹۲۳ میلادی. مأخذ: ج. سهیلی

در ایران نیز از میان سه گرایش ملی‌گرای لیبرال، مذهبی و باستانگرا، در حوزه معماری دو گرایش اول و آخر توانست به عنوان منبع ظهور جنبش‌های ملی‌گرا در سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ هجری شمسی (۱۹۲۵ تا ۱۹۴۱ میلادی) موثر واقع شود، به گونه‌ای که در آثار ارائه شده توسط این گروه از معماران ضمن بهره‌گیری از برخی عناصر و تزئینات معماری قبل و بعد از اسلام و

معماری قبل از اسلام در نما و فضای داخلی ساختمان‌ها توجه به کاربرد الگوهای معماری مدرن غرب در آثار آنها دیده می‌شود. چنین به نظر می‌رسد که سیاست دین دوستی در دهه اول و دین‌گریزی در دهه دوم حکومت رضا شاه از یک طرف و حضور برخی معماران خارجی نظیر نیکالای مارکف و معماران تحصیل کرده در خارج از کشور نظیر کریم طاهرزاده بهزاد از طرف دیگر موجب ارائه آثاری با رویکرد التقاط عناصر معماری قبل و بعد از اسلام شده است (جدول ۲).

نمونه اثر معماری	خصوصیات گرایش‌های معماری ملی‌گرا	جنبش‌های معماری ملی‌گرا	رویکردهای ملی‌گرایانه نظام حکومتی	رویکردهای روشنفکری ملی‌گرا
<p>۱. کاخ دادگستری تهران</p> <p>۲. بانک ملی تبریز</p> <p>۳. بانک ملی بازار تهران</p> <p>۴. بانک ملی شیراز</p>	<p>۱. به‌کارگیری الگوهای معماری مدرن غرب در طراحی احجام</p> <p>۲. بهره‌گیری از برخی تزئینات معماری قبل از اسلام در بخش‌هایی محدود از نما</p> <p>۳. کیفیت ساخت و ساز و مصالح، بیشتر به معماری متداول در غرب متمایل است.</p>	<p>گرایش به معماری مدرن غرب</p>	<p>۱. رسیدن به سطح بالایی از پیشرفت و ترقی</p> <p>۲. حضور مستشاران آلمان فاشیسم در حوزه‌های مختلف</p> <p>۳. احداث مدارس، کارخانجات و ... به سبک مدرن</p> <p>۴. تبعیت کاربرد تکنولوژی ساخت و مصالح بر اساس ویژگی‌های معماری مدرن</p> <p>۵. پیروی از غرب و اخذ تمدن اروپا</p>	<p>لیبرال (مدرن)</p>
<p>۱. ساختمان مرکزی پست</p> <p>۲. بیمارستان شاه رضا (امام رضا علیه السلام)</p> <p>۳. کالج آمریکایی‌ها</p> <p>۴. مدرسه ایرانشهر یزد</p>	<p>۱. حفظ عناصر و تزئینات معماری بعد از اسلام</p> <p>۲. ترکیب با عناصر و تزئینات معماری قبل از اسلام در بعضی مواقع.</p> <p>۳. تأمین نیازهای جدید و الگوی زندگی مدرن</p>	<p>گرایش به معماری پس از اسلام</p>	<p>نظام حکومتی ایران به صورت مستقیم و مداوم از طریق عقاید مذهبی مردم قصد تأثیر گذاری نداشته است و این گرایش بر اساس آموخته‌های معماران در خارج از ایران و توجه به زمینه‌های تاریخی بعد از اسلام و احترام به عقاید مذهبی مردم صورت پذیرفته است.</p>	<p>مذهبی</p>
<p>۱. مدرسه انوشیروان</p> <p>۲. نمای شمالی مجلس شورای ملی</p> <p>۳. کاخ شهربانی</p> <p>۴. آرامگاه فردوسی</p> <p>۵. بانک ملی ایران</p> <p>۶. غرفه ایران در بروکسل</p>	<p>۱. استفاده مستقیم از عناصر و تزئینات معماری قبل از اسلام</p> <p>۲. عدم توجه به الگوی طراحی پلان‌ها و فضاهای معماری پیش از اسلام</p>	<p>گرایش به معماری پیش از اسلام</p>	<p>۱. تأکید بر شناسایی تاریخ کهن و باستانی ایران</p> <p>۲. دعوت از مسشرقین و باستان شناسان غربی</p> <p>۳. عظمت تاریخی ایران پیش از اسلام</p> <p>۴. زدودن آثار فرهنگی اعراب</p> <p>۵. توجه به دین زرتشت</p> <p>۶. شکل‌گیری کنگره‌های مهم با رویکرد معرفی هنر باستانی ایران</p>	<p>باستانگرا</p>
<p>۱. وزارت امور خارجه</p> <p>۲. موزه ایران باستان</p> <p>۳. بانک ملی اصفهان</p>	<p>۱. طراحی احجام بر اساس تجرید بناهای پیش از اسلام</p> <p>۲. عدم تقلید مستقیم از عناصر و تزئینات معماری پیش از اسلام</p> <p>۳. معماری باید معرف شخصیت زمان خود باشد</p>			

جدول ۲. تأثیرگذاری نظام حکومتی در ظهور جنبش‌های ملی‌گرایانه معماری ایران ۱۳۲۰-۱۳۰۱ هجری شمسی. مأخذ: ج. سهیلی

لذا در یک جمع‌بندی کلی می‌توان سیاست‌های حکومتی مؤثر در ظهور جنبش‌های ملی‌گرایانه معماری ایران و ترکیه را به شرح جدول ۳ دسته بندی و معرفی نمود :

سیاست‌های حکومتی مؤثر در ظهور معماری ملی‌گرا		دوره‌های تاریخی	
ترکیه	ایران	هجری شمسی	میلادی
	<p>۱. حضور شخصیت‌های علمی نظیر آرتور پوپ آمریکایی و آندره گذار فرانسوی در زمینه مطالعه و شناسایی معماری گذشته ایران</p> <p>۲. شکل‌گیری کنگره‌های مهم با رویکرد معرفی هنر باستانی ایران در سایر کشورها و نیز کنگره بین‌المللی هزاره حکیم فردوسی در ایران</p> <p>۳. تأسیس انجمن آثار ملی در سال ۱۳۰۴</p> <p>۴. تمجید دستاوردهای سیاسی و فرهنگی قبل از اسلام برای ایجاد ایرانیت ناب از نوع هخامنشی و ساسانی</p>	۱۳۰۴-۱۳۱۰	۱۹۲۳-۱۹۲۸
			۱۹۲۹-۱۹۲۸
	<p>۱. کنار گذاشتن نشانه‌های فکری و عملی دین اسلام که در تعبیر آن دوره، عقب‌ماندگی و مانعی برای توسعه محسوب می‌شد.</p> <p>۲. تقویت آئین زرتشت به منظور وجه المصالحه قرار دادن برای اقتدار بازیافته دوران پیش از اسلام.</p> <p>۳. اندیشه عده‌ای از معماران دوره پهلوی اول که تحت تأثیر آموزش ایشان در خارج از ایران بوده است، در ظهور جنبش‌های ملی معماری مبتنی بر گرایش‌های مذهبی ایران مؤثر بوده است.</p>	۱۳۲۰-۱۳۱۰	۱۹۲۹-۱۹۵۰
<p>۱. عدم ورود مواد و مصالح ساختمانی نظیر فولاد، شیشه و سیمان و روی آوردن معماران به مواد ساختمانی منطقه‌ای در روش‌های ساخت و ساز</p> <p>۲. تأثیر روانشناختی جنگ جهانی دوم و خلق احساس همبستگی ملی و ایستادگی در برابر فشارهای خارجی</p> <p>۳. حمایت وزارت‌خانه‌های مربوطه از وضع قوانین حامی سبک معماری ترکی</p> <p>۴. مستحکم شدن روابط آنکارا با اتحاد شوروی و ایتالیا که موجب تبلیغ دستاوردهای این دو کشور در زمینه ملی‌گرایی جدیدشان بود</p>			

جدول ۳. مقایسه تطبیقی سیاست‌های حکومتی مؤثر در ظهور اولین جنبش‌های ملی‌گرای معماری ایران و ترکیه. مأخذ: ج. سهیلی

پی‌نوشت‌ها

۱. Afife Batur 2 . Balamir, 3. Tekeli, 4. Ziya Gokalp, 5. Tanzimat, 6. Rifat ucarol,
7. secret young Ottoman Society, 8.Allaury, 9. Jachmund, 10. Kemalettin Bey, 11. charlot tenbury
- 12.Vedat [Tek], 13.Arif Hikmet, 14. Ahmet kemal, 15.Tahsin Sermd, 16. Ali Talat
17. Fatih Ulku, 18. Mehmet Nihat, 19.Giulio Mongeri, 20.Ustun Alsac, 21. Ilhan Tekeli
22. Sedad Hakki Eldem, 23. Holzmeister, 24. Bonatz, 25. Eeginbas ,26. Gunery, 27.Governor
28. Bursa, 29. Mesopotamian, 30. Hittite, 31. Levent
32. Merbank

فهرست منابع

- بالامیر. آیدین. ۱۳۸۲. معماری و اعمال هویت نمایی از فرهنگ ساختمان سازی در ترکیه مدرن. ت : فرامرز خجسته فصلنامه معماری و شهرسازی آبادی . شماره ۳۸. تهران.
- بانی مسعود، امیر. ۱۳۸۸. معماری معاصر غرب. چاپ اول
- بهنام، جمشید. ۱۳۸۶. ایرانیان و اندیشه تجدد. چاپ سوم. نشر و پژوهش فرزانه روز. تهران
- دانیل، ویکتور؛ شافی، بیژن؛ سروشیانی، سهراب. ۱۳۸۲. معماری نیکلای مارکوف. انتشارات دید. تهران
- سریع القلم، محمود. ۱۳۸۶. تقابل لیبرالیسم و اسلام در هویت در ایران به کوشش علی اکبر علیخانی. چاپ دوم. انتشارات جهاد دانشگاهی. تهران.
- قمری، داریوش. ۱۳۸۰. تحول ناسیونالیسم در ایران. چاپ اول. انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی. تهران.
- کولایی، الهه. ۱۳۸۶. سیر هویت ملی در ایران. در هویت در ایران به کوشش علی اکبر علیخانی. چاپ دوم. انتشارات جهاد دانشگاهی. تهران
- کیانی، مصطفی. ۱۳۸۳. معماری دوره پهلوی اول. چاپ اول. مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. تهران
- مرعشی، افشین. ۱۳۸۷. تحقق ملت- در رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین. نوشته استثنائی کرونین. ت : مرتضی ثاقب فر. چاپ دوم. انتشارات جامی. تهران
- Ayataç, Hatice.2007. **The International Diffusion of Planning Ideas: The Case of Istanbul, Turkey.**2007; 114 Journal of Planning History.
- Batur,Afife.2005.**A Concise History:ARCHITECTURE IN TURKEY During The 20 th Century**, published by the chamber of Architects of Turkey.
- Bozdogan. Sible and Kasaba. Resat. Eds.1997. **Rethinking Modernity and Identity in Turkey.** Uneversity of Washing Press.
- Holod, Renata-Evin, Ahmet-Ozkan, Suha .2005. **MODERM TURKISH ARCHITECTURE**.published by the chamber of Architects of Turkey.Second edition.Ankara